

Netizenship and Networked Child: An Educational Reflection on the Concept of Childhood in Generation Z and Alpha

Saeed Azadmanesh*
Hamideh Sadat Khademi**

Introduction

The concept of childhood has been the subject of much debate and discussion throughout history. There is no single definition of childhood that is universally accepted, as the concept has evolved over time and varies across cultures. However, some common themes emerge in discussions of childhood, such as the idea that childhood is a time of innocence, play, and learning. In recent years, there has been growing interest in the study of the characteristics of Generation Z and Generation Alpha. These two generations are the first to grow up in the digital age, and their experiences and perspectives are significantly different from those of previous generations. The people of this generation are connected through digital devices and social media. They are the first generation to have known the world with the possibility of having infinite information and the opportunity for infinite connection in the digital age. Technology is deeply intertwined in the lives of this generation. They take for granted the internet, networks, and related digital tools, and have incorporated technology and online activities into everything. As Generation Z and Alpha become the main audiences for current and future education, it is crucial to understand their unique characteristics to organize education, especially in childhood. Considering this necessity, this research aims to reflect on the concept of childhood in light of the characteristics of these two generations.

Method

The method in this research is Conceptual Analysis, which emphasizes on

* Assistant Professor of Philosophy of Education, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

** Ph.D. in the Child Psychology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. *Corresponding Author:* hamidehkhademi@atu.ac.ir

providing a correct and clear explanation of the meaning of concepts through a detailed explanation of its relationships with other concepts.

Results

Using the Conceptual Analysis, we identified ten key characteristics such as “Real Life in the Virtual World”, “Acceptance of New Virtual Behavioral Codes”, “Fluid and Multifaceted Identities”, “Continuous and Lifelong Learning” and “Individualism and Social Isolation versus the Extent of Virtual Interactions”. Based on these traits, we called the concept of childhood as “Netizen” or “Networked Child” which includes conceptual components; “Virtual-Real Dual Life”, “Experience of Living in a Pluralistic World”, “Self-Learning and Self-Articulating” and “Social Isolation within Group Activity and Cooperation” are four conceptual components.

Discussion

Finally, we conclude that “Recognition of the Virtual World in Childhood Education” is essential in educational interaction, ignoring it can create a fundamental gap in the education process and even more importantly lead to the disappearance of childhood.

Keywords: Childhood Education, Networked Teen, Digital Native, Global Generation, Self-Learning and Self-Articulating.

Author Contributions: Author 1 was responsible for data analysis and leading the overall research process and Author 2 was responsible for research plan design and data collection and both authors discussed the results, reviewed and approved the final version of the manuscript.

Conflicts of interest: The authors declare there is no conflict of interest in this article.

Funding: This research is not sponsored by any institution and all costs have been borne by the authors

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۲/۲۲
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۹/۱۴

مجله‌ی علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز
پاییز و زمستان ۱۴۰۳، دوره‌ی ششم، سال ۳۱
شماره‌ی ۲، صص: ۱۸۴-۱۵۹

مقاله پژوهشی

نِت‌وَدی و کودک در شبکه؛ تأملی تربیتی بر مفهوم دوران کودکی در میانه‌ی نسل Z و Alpha

سعید آزادمنش*

حمیده سادات خادمی**

چکیده

نظر به اینکه نسل Z و Alpha مخاطب اصلی تعلیم و تربیت اکنون و آینده ما هستند، شناخت ویژگی‌های این دو نسل برای بسامان کردن امر تعلیم و تربیت به‌ویژه در دوران کودکی حائز اهمیت است. با توجه به این ضرورت، این پژوهش تلاش می‌شود تا تأملی بر مفهوم دوران کودکی با نظر به ویژگی‌های نسل Z و Alpha داشته باشد. در همین راستا، با استفاده از روش تحلیل مفهومی، نخست ویژگی‌های افراد این دو نسل را ذیل ده محور ارائه شده است که برخی از آنها عبارتند از: «زیستی واقعی در دنیای مجازی»، «پذیرش کدهای رفتاری جدید مجازی»، «تکنر و تزلزل هویتی»، «یادگیری مداوم و مادام‌العمر» و «فردگرایی و انزوای اجتماعی در مقابل گستردگی تعاملات مجازی». در ادامه با نظر به این ویژگی‌ها، کودک برآمده از این دو نسل را «نت‌وند» یا «کودک در شبکه» نامیده شده است که شامل مؤلفه‌هایی مفهومی است؛ «زیست دوگانه مجازی- حقیقی»، «تجربه زیستن در جهانی متکثر»، «خودآموزی و خودپرورش‌گری» و «انزوای اجتماعی در عین فعالیت و همکاری گروهی»، چهار مؤلفه مفهومی دوران کودکی هستند. در نهایت «به‌رسمیت شناختن دنیای مجازی در تعلیم و تربیت دوران کودکی» را به‌مثابه‌ی ضرورتی در تعامل تربیتی مطرح شده که عدم توجه بدان می‌تواند در فرایند تعلیم و تربیت خللی اساسی ایجاد کند و حتی مهم‌تر از آن به زوال دوران کودکی منجر شود.

واژه‌های کلیدی: تعلیم و تربیت دوران کودکی، نوجوان در شبکه، بومی دیجیتال، نسل جهانی، خودآموزی و خودپرورش‌گری.

* استادیار فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

** دکتری تخصصی روان‌شناسی کودک، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

مقدمه

برای شروع هر بحثی در مورد نسل‌های مختلف، اولین قدم مهم، تعریف اصطلاح «نسل»^۱ است. یک نسل به عنوان «فاصله زمانی متوسط بین تولد والدین و تولد فرزندان آنها» تعریف می‌شود. این تعریف زیست‌شناختی، نسل‌ها را برای هزاران سال در آستانه زمانی ۲۰ تا ۲۵ سال قرار می‌داد و در گذشته توسط جامعه‌شناسان نیز استفاده می‌شد، اما امروزه این تعریف مناسب نیست؛ زیرا گروه‌های اجتماعی در واکنش به فناوری‌های جدید، تغییر گزینه‌های شغلی و تحصیلی و تغییر ارزش‌های اجتماعی به سرعت در حال تغییر هستند و در نظر گرفتن دو دهه برای یک دوره نسلی بسیار گسترده است (McCrimble & Wolfinger, 2009). امروزه نسل‌ها به جای نگاه زیست‌شناختی، با نگاه جامعه‌شناختی تعریف می‌شوند. یک نسل به گروهی از افراد متولد شده در یک بازه زمانی مشابه ۱۵ ساله اشاره دارد که سن و مرحله زندگی مشابه‌ای دارند. افراد یک نسل در هر دوره، رویدادها، روندها و تحولاتی را تجربه می‌کنند که به آنها، شخصیتی جمعی می‌بخشد (McCrimble & Fell, 2020). در واقع، هر نسل مانند هر فرهنگ، نگرش، باور، هنجارهای اجتماعی و رفتارهای خاص خود را دارند و بر اساس آنها تعریف می‌شوند (Baer, 2016). از این رو است که شاهد طبقه‌بندی نسلی و نامگذاری نسل‌ها با عناوینی چون نسل X، Y، Z و Alpha هستیم که در این پژوهش دو نسل اخیر مورد توجه ما خواهند بود.

دانش‌آموزان و دانشجویان دنیای امروز ما که در حال حاضر در مدرسه و دانشگاه هستند بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۰ متولد شده‌اند. به متولدین این دوره نسل Z می‌گویند. افراد این نسل از طریق دستگاه‌های دیجیتال و رسانه‌های اجتماعی با یکدیگر پیوند خورده‌اند (McCrimble & Wolfinger, 2009). نسل Z که به آنها Postmillennial، Zoomer یا iGen نیز گفته می‌شود، اولین نسلی هستند که جهان را بدون اینترنت نمی‌شناسند (Prensky, 2001). آنها اولین نسلی هستند که جهان را با امکان در دست داشتن اطلاعات بی‌پایان و فرصت اتصال بی‌نهایت عصر دیجیتال شناخته‌اند. تکنولوژی به شدت در زندگی این نسل تنیده شده است. آنها اینترنت، شبکه‌ها و ابزارهای دیجیتال مرتبط را بدیهی دانسته و فناوری و فعالیت‌های آنلاین را در همه چیز گنجانده‌اند (Twenge, 2017).

مارک مک‌کریندل، پژوهشگر علوم اجتماعی، اولین فردی بود که اصطلاح نسل «Alpha» را

مطرح کرد. نسل آلفا نماینده یک فرایند کاملاً جدید است، Alpha بازگشت به گذشته نیست، بلکه شروع اتفاقی جدید است (Ziatdinov & Cilliers, 2022). نسل Alpha که هوموتبلتوس^۱ نیز نام گرفته‌اند (Sterbenz, 2015)، حدوداً بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۵ متولد شده یا می‌شوند. آنها اولین نسلی هستند که کاملاً در قرن ۲۱ متولد می‌شوند. این نسل در موقعیت منحصر به فردی قرار دارند و اگرچه اولین نسل بومی دیجیتال نیستند (نسل Z اولین است)، اما سریعتر از نسل قبلی خود فناوری جدید را درک کرده و با آن سازگار می‌شوند. میلیون‌ها نفر از نسل Alpha هنوز به دنیا نیامده‌اند و بزرگ‌ترین آنها دوره دوم ابتدایی هستند. به‌نوعی چشم‌انداز آینده آنها در حاله‌ای از ابهام است (McCrinkle & Wolfinger, 2009). با این وجود، با بررسی نگرش‌ها و دیدگاه‌های امروزی، می‌توانیم تصویر واضح‌تری از آینده‌ای که ممکن است برای آنها رقم بخورد به دست آوریم.

این پژوهش با هدف شناخت بیشتر کودکان و آینده آنها، مطالعه نسل Z و Alpha را مورد توجه قرار داده است تا از این طریق بتواند نگاه متمرکزتری بر مفهوم دوران کودکی و مؤلفه‌های مفهومی آن در نسبت با این دو نسل داشته باشد. نسل جدید کودکان ما در فضایی با تجارب متفاوت زیست می‌کنند که تفاوت‌های بنیادینی با تجارب نسل‌های پیشین دارد. زیستن در چنین فضایی ما را با نسل جدیدی از کودکان مواجه ساخته است که بدون شناخت ویژگی‌های این کودکان و مفهومی که از دوران کودکی در این فضا وجود دارد، نمی‌توان تعامل تربیتی مطلوبی داشت. از این رو مسأله اصلی این پژوهش این است که نسل جدیدی که ما با آن مواجهیم چه ویژگی‌هایی دارد و دوران کودکی در نسبت با آن چه مفهومی دارد؟ ما با چه کودکی مواجهیم و این کودک چگونه با دنیای خویش ارتباط برقرار می‌کند؟ پرداختن به این مسأله از آنجائی ضرورت پیدا می‌کند که عمده مشکلاتی که در تعامل با کودکان وجود دارد ناشی از شکاف بین نسلی است. این شکاف بین نسلی هم در مقام توصیف و هم در مقام تجویز، تعلیم و تربیت ما را با چالش مواجه خواهد کرد؛ زیرا بدون شناخت ویژگی‌های دوران کودکی در نسل جدید، ما توصیف دقیقی از مخاطب خویش نخواهیم داشت و نمی‌توانیم زبان مشترک و مناسبی برای شروع فعالیت‌های تربیتی پیدا کنیم و در ادامه نیز در مقام تجویز، از اهداف، اصول و روش‌هایی استفاده می‌کنیم که نمی‌تواند تعامل تربیتی ما را بسامان کند. این

درحالی است که امروزه دانش‌آموزان نسل جدید در همان مدارسی درس می‌خوانند که متعلق به نسل‌های قبل است و حتی توسط کسانی اداره می‌شود که نگاه بین نسلی خود را به روز نکرده‌اند. این درحالی است که برای ایجاد تعامل مطلوب در تعلیم و تربیت، فعالان عرصه تعلیم و تربیت باید نقاط قوت و ضعف هر نسل را بررسی کرده و ارزیابی‌های لازم در این زمینه را انجام دهند (Çetin & Halisdemir, 2019). از این‌رو، هرگونه فعالیت تربیتی و تجویزی بدون شناخت دقیق مفهوم دوران کودکی در این نسل و ویژگی‌های آن قرین با توفیق نخواهد بود.

شایان ذکر است که در زمینه بیان ویژگی‌های نسل Z و Alpha پژوهش‌هایی (Cox, 2022؛ Tootell et al., 2014؛ Twenge, 2017؛ McCrindle & Fell, 2020؛ Ziatdinov & Cilliers, 2022؛ McCrindle & Wolfinger, 2009) صورت پذیرفته است که مورد مراجعه پژوهشگران به‌ویژه در بخش اول این مقاله بوده است. با این وجود جنس پژوهش‌های پیشین بیشتر بیان ویژگی‌های این دو نسل است بدون اینکه به مفهومی که از این ویژگی‌ها از دوران کودکی شکل می‌گیرد نظر داشته باشند. درحالی که در این پژوهش تلاش شده است تا با نگاه و روشی فلسفی نخست یک مفهوم‌پردازی درباب مفهوم دوران کودکی انجام شود و در ادامه برخی الهام‌بخشی‌های تربیتی نیز بیان شود. نظر به این ضرورت، در این پژوهش در پی آنیم تا گامی هرچند کوچک در زمینه شناخت هرچه بیشتر دوران کودکی برداریم و الهام‌بخشی‌های اولیه مناسبی را در این زمینه فراهم نماییم. بدین منظور ابتدا به بیان ویژگی‌های نسل Z و Alpha می‌پردازیم و در ادامه با نظر به روش تحلیل مفهومی که بر فراهم آوردن تبیین صحیح و روشن از معنای مفاهیم به‌واسطه توضیح دقیق روابط آن با سایر مفاهیم تأکید دارد (Coombs & Daniels, 1991)، مولفه‌های مفهومی دوران کودکی را ارائه خواهیم کرد تا بتواند مبنا و بستر مناسبی برای تعامل تربیتی با کودکان نسل جدید را فراهم نماید. در نهایت تلاش می‌شود تا ملاحظات مختصر در باب تعلیم و تربیت دوران کودکی ارائه شود.

ویژگی‌های نسل زد و آلفا

نسل زد و آلفا به‌واسطه ارتباطشان با دنیای مجازی، دارای ویژگی‌های مشترکی هستند که جدا کردن آنها با توجه به پژوهش‌های انجام شده کار راحتی نیست. در این بخش تلاش شده

است تا ویژگی‌های نسل زد و آلفا با توجه به اشتراک زیادی که این دو نسل با یکدیگر دارند بیان شود. از این رو در بیان ویژگی‌های زیر تفاوت معناداری بین نسل زد و آلفا نیست. اهم این ویژگی‌ها در ادامه بیان خواهد شد تا بتوانیم مفهوم دوران کودکی در این دو نسل را دنبال کنیم.

۱. زیستی واقعی در دنیای مجازی

نسل Z با جهان به شیوه‌ای کاملاً متفاوت نسبت به کسانی که می‌دانند زندگی بدون اینترنت چگونه بوده است، روبه‌رو شده و پیوسته دنیای آنلاین و آنلاین خود را با هم ترکیب می‌کنند (Twenge, 2017). آن‌ها مجبور شده‌اند این دنیای دیجیتال جدید را تا حد زیادی بدون راهنمایی بزرگسالان خود کشف کنند. برای نسل Z زندگی قبل از فناوری‌های قدرتمند، سریع و متصل وجود نداشته است و هنگامی که آنها به سنین نوجوانی خود رسیدند، خدمات اینترنت پرسرعت خانگی و اینترنت همراه همه‌گیر شد (Dimock, 2019). از زمانی که سن کمی داشتند از نرم‌افزارها برای خواندن، نوشتن، طراحی کردن، رقابت و بازی، ادراک، سازماندهی، تعامل، پردازش و تحقیق (Katz et al., 2022) و در یک کلام برای ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم با دیگران استفاده می‌کردند. بنابراین این نسل نمی‌تواند زندگی بدون فناوری دیجیتال را تصور کنند؛ به سبب اینکه هرگز دنیای بدون آن را ندیده‌اند.

آنچه در میان متولدین نسل Alpha نیز نقش مهمی ایفا می‌کند، محیط دیجیتالی است که در آن متولد شده‌اند. مفهوم «اتصال»^۱ در این نسل حتی مهمتر از نسل Z است. به طور کلی ویژگی‌های دیجیتالی این نسل را می‌توان به وابستگی به صفحه نمایش و دنیای صفحه نمایش لمسی خلاصه کرد. از این رو از ایشان با عنوان نسل «بومی دیجیتال»^۲ یاد شده است (Apaydin & Kaya, 2020). در واقع این نسل و نسل Z زمان زیادی را صرف آنلاین بودن (بازی، پیام دادن و چرخیدن در اینترنت) می‌کنند. البته این زیستن در فضای مجازی صرفاً مربوط به اوقات فراغت آنها نیست و بسیاری از کارهای روزمره و علمی خود را نیز از این طریق برطرف می‌کنند (Twenge, 2017). از این رو برای آنها شیوه تعامل با خانواده، دوستان و دیگران در حال تغییر و تحت سیطره قواعد دنیای مجازی است.

1- Connection

2- Digital Natives

۲. پذیرش کدهای رفتاری جدید مجازی

ابزارهای ارتباطی در دسترس، تعاملات انسانی را تغییر داده‌اند. فناوری‌ها، کاربران خود را در ساختار رفتار، زبان و اندیشه تغییر می‌دهند. عادات روزمره‌ی نسل Z و Alpha سرعت، مقیاس و گستره بی‌سابقه این تغییرات را نشان می‌دهد. در واقع فناوری‌های دیجیتال جدید شیوه‌های ارتباطی و تعاملی انسان‌ها با یکدیگر را تا حد زیادی گسترش و تغییر داده است. آنها از رسانه‌های اجتماعی به عنوان راهی برای تعامل با افرادی که در زندگی واقعی می‌شناسد و افرادی که هرگز در زندگی واقعی ملاقات نکرده‌اند، استفاده می‌کنند (Katz et al., 2022). آنها فناوری‌های هوشمند را برای صرفه‌جویی در زمان تعاملات اجتماعی، مطالعه و اوقات فراغت‌شان استفاده می‌کنند.

Katz et al. (2022) معتقدند بزرگ شدن با اینترنت، و تصور نکردن دنیای بدون آن، عمیقاً شیوه «انجام» کارهای روزمره را تحت تاثیر قرار داده است. فناوری دیجیتال، با آزادی‌ها و محدودیت‌هایی که به فرد تحمیل می‌کند، نه تنها بر عادات آنلاین بودن، بلکه بر زندگی آفلاین و حتی ترکیب این دو تاثیر می‌گذارد. کدهای رفتار اجتماعی همیشه در کنار استفاده از فناوری‌ها بازتعریف شده‌اند. برای نمونه، در قرن بیستم قوانین زیادی در مورد زمان «مناسب» برای برقراری تماس تلفنی شکل گرفت. گویی همه هم‌نظر بودند که کسی بعد از ساعت ۹ شب به خانه‌ی دوستش تلفن نمی‌زند. اما این نسل زمان را پراکنده‌تر و «۲۴/۷» تجربه می‌کند و بدین ترتیب امکان همیشه «برخط بودن» را دارند و ممکن است زمان مناسب برای ارتباطات را رعایت نکنند؛ زیرا مناسب بودن زمان برای آنها معنای متفاوتی پیدا کرده است. کدهای رفتار اجتماعی جدید و متفاوت حتی در استفاده از ایمیل هم قابل ردیابی است. برای نسل Z ایمیل‌ها، مانند نامه‌های رسمی اداری گذشته هستند، که در ارتباطات رسمی مانند تبادل نظر با اساتید یا کارفرمایان استفاده می‌شود و نیازمند دقت در محتوا و دستور زبان هستند. مطالعه کتز و همکاران در مورد بررسی ویژگی‌های اجتماعی نسل Z نشان داد برخی از دانشجویان به شدت از ارسال ایمیل ابراز بی‌زاری می‌کنند و نوشتن پیام ایمیل رسمی را بسیار وقت‌گیر می‌دانند (Katz et al., 2022). توتل و همکاران در پژوهشی دریافته‌اند که این نسل ترجیح می‌دهند به جای تایپ پیام بیشتر از طریق تصاویر و فایل‌های صوتی و تماس تصویری ارتباط برقرار کنند (Tootell et al., 2014). همچنین دانا بوید در مطالعه خود درباره «نوجوانان در

شبکه^۱ نمونه‌ای دیگر برای این پیچیدگی و سیطره کدهای رفتاری مجازی با در نظر گرفتن مفهوم مکان را بیان می‌کند:

اگرچه تجربه بودن در زمینه‌های اجتماعی متفاوت اتفاق جدیدی نیست، اما فناوری، حرکت سریع بین محیط‌های اجتماعی مختلف را برای نوجوانان آسان می‌کند و این تصویر را به وجود می‌آورد که آنها به طور هم‌زمان در چندین مکان حضور دارند. نوجوانان به سرعت بین بافت‌های اجتماعی مختلف جابه‌جا می‌شوند و این مهارت پیچیده‌ای می‌خواهد (Boyd, 2008). آنچه به عنوان نمونه راجع به کدهای رفتاری جدید درباره زمان، مکان، محتوا و شیوه بیان ارائه شد، بیانگر این است که ما با نسلی مواجهیم که با توجه به زیست واقعی خویش در فضای مجازی، قواعد، آداب و کدهای رفتاری آن فضا را به فضای حقیقی و آفلاین خویش تسری می‌دهد.

۳. زیستن در دهکده جهانی

وجوه اشتراک نسل‌های امروزی بیش از هر زمان دیگری، مرزهای جهانی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را از بین برده است. به دلیل جهانی شدن که عمدتاً از طریق فناوری‌های مختلف امروزی امکان پذیر شده است، جوانان در استرالیا، ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، آلمان و ژاپن تحت تأثیر رویدادها، روندها و تحولات یکسانی قرار می‌گیرند (McCrimdle & Wolfinger, 2009). ما با نسلی مواجهیم که به وب‌سایت‌های مشابهی دسترسی دارند، فیلم‌های مشابهی را تماشا می‌کنند، به آهنگ‌های مشابهی گوش می‌دهند و تحت تأثیر الگوها و برندهای مشابهی قرار می‌گیرند (McCrimdle & Fell, 2020). امروزه ما اولین «نسل جهانی جهان»^۲ را داریم. در طول قرنطینه همه‌گیری کووید-۱۹ در سال ۲۰۲۰ بود که بسیاری از کسانی که مدت‌ها قبل از راه‌اندازی اینترنت به دنیا آمده بودند و به جدا کردن فعالیت‌های آنلاین و آفلاین عادت داشتند، شروع به تجربه زندگی آنلاین-آفلاین کردند و به وضوح درک کردند که چگونه مرز بین زندگی آنلاین و آفلاین می‌تواند محو شود (Katz et al., 2022). از بین رفتن این مرز امروزه به سادگی در رسانه‌های اجتماعی و زیستن در دهکده جهانی قابل مشاهده است. حال هرچند برخی جنبه‌های بومی و محلی میزان این ارتباط و جهانی شدن را تحت الشعاع قرار دهد.

1- Networked Teens

2- World's First Global Generation

۴. تکثر و تزلزل هویتی

رشد سریع اطلاعات و فناوری به ویژه وجود اینترنت و وبسایت‌های مختلف و محتوای موجود در آن‌ها و در یک کلام جهانی شدن، باعث تغییر ذهنیت و رفتار در جامعه شده است. Ramadlani and Wibisono (2017) تأکید دارند که تغییر طرز فکر هر نسل باعث می‌شود که رفتارهای آن نسل به صورت مثبت یا منفی تغییر کند. هم‌زمان با این تغییر، مفهوم «فضای سایبری»^۱ به وجود آمده و تغییراتی در دیدگاه‌های فردی و اجتماعی ایجاد کرده است. با در نظر گرفتن سطح فردی، تغییری اساسی در فضای سایبری ایجاد شده است و هر فرد در دنیای مجازی می‌تواند به تعداد بی‌نهایت هویت تقسیم شود. چنین هویت‌های جعلی می‌تواند باعث شود افراد رفتارهای غیراخلاقی زیادی از خود نشان دهند مانند دستکاری تصاویر، فریب دیگران به صورت ناشناس، برداشتن تصاویر بدون اجازه و منتشر کردن آن‌ها در رسانه‌های اجتماعی. در فضای سایبری و به مدد «واقعیت مجازی»^۲ افراد می‌توانند با کسانی که قبلاً هرگز آنها را ندیده‌اند روابط نزدیک برقرار کنند که این امر چالش‌برانگیز خواهد بود. در سطح اجتماع، گسترش فضای سایبری الگویی از یک جامعه دیجیتال را به تصویر می‌کشد، که به عنوان «جامعه خیالی»^۳ شناخته می‌شود. این پدیده در نسل Alpha پررنگ‌تر خواهد بود (Apaydin & Kaya, 2020). زیستن در این فضا و مواجه شدن با الگوهای فردی و اجتماعی مجازی و حقیقی، کودک و نوجوان را با دنیایی متکثر مواجه خواهد کرد که نمود آن را در هویت متکثر و متزلزل وی می‌توان مشاهده کرد.

۵. یادگیری مداوم و مادام‌العمر

نسل جدید برای هماهنگی با جهان همواره در حال تغییر یادگیرنده مادام‌العمر است و تمایلی طبیعی دارد تا به‌منظور تطبیق با تغییرات و غنی‌سازی مهارت‌ها به‌صورت مداوم یاد بگیرد (Ruodi Aliabadi et al., 2023). به‌نحوی که فرایند یادگیری در نسل Alpha از سنین پایین شروع می‌شود و در مقایسه با دیگر نسل‌ها متولدین این نسل تحصیلات بالاتری خواهند داشت. سرگرمی و آموزش این نسل تا حد زیادی به صفحه نمایش بستگی دارد.

1- Cyberspace

2- Virtual Reality

3- Imaginary Community

آی‌پد^۱ در سال ۲۰۱۰، زمانی که بزرگ‌ترین کودکان این نسل متولد شدند، روانه بازار شد، اینستاگرام جای خود را در شبکه‌های اجتماعی باز کرد و «آپ»^۲ پر کاربردترین کلمه سال شد. بنابراین، تجربه صفحه نمایش ثابت نسل‌های قبل جای خود را به تجربه صفحه نمایش کاملاً متحرک داد. «اسکرین‌ایجر»^۳ یا خوره کامپیوتر بودن، ویژگی بارز این نسل است (Apaydin & Kaya, 2020). (Kaya, 2020). Dos Reis (2018) معتقد است، این وضعیت جدید مربی را به چالش می‌کشد و باعث تغییر او می‌شود؛ زیرا او دیگر تنها منبع راهنمایی نیست. در مواجهه با این واقعیت، گستره یادگیری مرتبط با فناوری به طور فزاینده‌ای بسط پیدا خواهد کرد و کلاس درس به عنوان محیطی چند وجهی برای دستیابی به دانش اهمیت پیدا می‌کند.

ترجیح نسل Z این است که فناوری‌های آموزشی پایه مانند استفاده از ابزارهای دیجیتال آموزشی ۲۴/۷ در دسترس و آنلاین باشد (Hernandez-de-Menendez et al., 2020). نظرسنجی انجام شده از دانش‌آموزان نسل Z نشان می‌دهد که این نسل به میزان زیادی از رسانه‌های اجتماعی برای به اشتراک گذاشتن اطلاعات تحصیلی با همکلاسی‌های خود استفاده می‌کنند (Cilliers, 2017). رسانه‌های اجتماعی ابزار مورد علاقه آنها برای برقراری ارتباط روزانه است و استفاده از آنها در آموزش به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد تا بحث و گفتگو کنند، همکاری داشته باشند و مهارت‌های ارتباطی و فناوری خود را رشد دهند (Hernandez-de-Menendez et al., 2020).

McCrindle and Fell (2020) باور دارند که با تغییر سبک آموزش مدارس از روش‌های ساختارمند و شنیداری به روش‌های جذاب، دیداری، چندوجهی و عملی، تغییر اساسی مهمی در تعامل آموزشی نسل Alpha رخ خواهد داد. از آنجاکه والدین این نسل، آنها را از سنین پایین‌تر به آموزش‌های رسمی تشویق می‌کنند، نسل Alpha به اطلاعات بیشتری نسبت به نسل‌های قبل‌شان دسترسی خواهند داشت. این میزان از تحصیلات رسمی آنها، هرگز در تاریخ جهان سابقه نداشته است، به طوری که پیش‌بینی شده است در نسل Alpha از هر ۲ نفر، یک نفر تحصیلات دانشگاهی خواهد داشت (Ziatdinov & Cilliers, 2022). نظر به توضیحات بیان شده و دسترسی ۲۴/۷ این نسل نه تنها در عرض زندگی به صورت مداوم به یادگیری

1- The iPad
2- App
3- Screenager

می‌پردازند و یادگیری آنها صرفاً در ساختار درس و مدرسه نیست، بلکه در طول زندگی نیز به صورت مادام‌العمر یادگیری خویش را دنبال و به‌روز می‌کنند.

۶. پردازش سریع اطلاعات و اقتصاد توجه

به مدد انقلاب اطلاعاتی و ارتباطی موجود در فضای مجازی و دهکده جهانی، ما با انبوهی از اطلاعات در زمینه‌های مختلف مواجه هستیم و از این رو باید به پردازش و انتخابگری سریع اطلاعات دست یازیم. کاری که نسل زد ناگزیر بوده است تا آن را به رسمیت بشناسد. نتایج پژوهش Katz et al. (2022) نشان می‌دهد که برخی از دانشجویان به ندرت به صورت حضوری به سخنرانی‌های دانشگاهی می‌روند. آنها زمانی را که طول می‌کشد تا خود را به سخنرانی برسانند، در سخنرانی شرکت کنند و سپس به خوابگاه برگردند در نظر گرفته و در عوض تصمیم می‌گیرند در اتاق‌های خود بمانند و فایل ضبط‌شده سخنرانی را با سرعت 3X تماشا کنند، که نه تنها برای صرفه‌جویی در زمان، بلکه برای کمک به حفظ توجه نیز هست؛ زیرا مجبور می‌شوند روی سخنرانی تمرکز کنند و وسوسه نمی‌شوند که چند کار را به صورت هم‌زمان انجام دهند. این مثال نشان می‌دهد که چگونه نسل Z عادت‌های روزانه خود را برای سازماندهی بهتر روز خود و صرفه‌جویی در زمان تطبیق داده‌اند. نظریه پردازانی مانند توماس داوونپورت عبارت «اقتصاد توجه»^۱ را ابداع کردند و نشان دادند که توجه پول است (Davenport & Beck, 2001). بسیاری از افراد نسل Z آگاه به جنبه‌های اقتصادی پلتفرم‌های دیجیتال‌اند و می‌دانند که برای مثال، وقتی زمان می‌گذارند و یک ویدیوی YouTube را تماشا می‌کنند، توجه آنها ممکن است به دلارهای واقعی برای تولیدکننده ویدیو تبدیل شود.

۷. فردگرایی و انزوای اجتماعی در مقابل گستردگی تعاملات مجازی

نسل Z در فضای آنلاین بسیار خوشحال به نظر می‌رسند، در Snapchat چهره‌های بامزه می‌سازند و در تصاویر خود در Instagram شاد به نظر می‌رسند. اما عمیق‌تر که می‌شویم، واقعیت چندان آرامش‌بخش نیست. این نسل در آستانه شدیدترین بحران سلامت روان در چند دهه اخیر هستند (Twenge, 2017). اینترنت و جامعه مثبت‌انگاری افراطی را ترویج

می‌کنند؛ پست‌های رسانه‌های اجتماعی لحظات پرهیجان را برجسته می‌کنند، همه در سلفی‌های خود لبخند می‌زنند و به ندرت لحظات غمگین را نشان می‌دهند. زمانی توجه متخصصان به این موضوع جلب شد که نسل Z در پاسخ به این سؤال که آیا از خود و به‌طورکلی از زندگی خود راضی هستید یا خیر؟ افت ناگهانی پاسخ مثبت را نشان دادند. در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳، زمانی که اولین نسل Z ها سال‌های آخر دبیرستان بودند، رضایت از زندگی به صورت معناداری کاهش یافت و در سال ۲۰۱۵ به پایین‌ترین حد خود رسید (Twenge, 2017). بنابراین این واقعیت که نوجوانان زمان کمتری را با دوستان، اطرافیان و جهان پیرامون خود به صورت حضوری و زمان بیشتری را با تلفن همراه خود می‌گذرانند، می‌تواند بر کاهش احساس رضایت آنها از زندگی تأثیر داشته باشد.

نوجوانان این نسل بیشتر از نسل‌های پیشین ابراز ترس از رها شدن و تنها ماندن می‌کنند. آنها اصطلاح خاصی برای بیان این حالت دارند: ^۱ FOMO به معنی «ترس فراگیر مبنی بر اینکه دیگران ممکن است تجربیات مفیدی داشته باشند که فرد از آنها جا بماند» (Lyngdoh et al., 2023). Prensky (2001) اولین فردی بود که ادعا کرد FOMO با میزان استفاده از رسانه‌های اجتماعی برای ارضای نیازهای اجتماعی مرتبط است. رسانه‌های اجتماعی به کاربران اجازه می‌دهند تا طیف گسترده‌ای از تجربیاتی را ببینند که افراد دیگر از آن لذت می‌برند، که منجر می‌شود افراد دائماً آنها را چک کنند تا از احساس از دست دادن یا عقب ماندن ^۲ دور بمانند (Lyngdoh et al., 2023).

یک فرضیه احتمالی وجود دارد که بیان می‌کند افراد به میزانی که زمان بیشتری با ابزار الکترونیک می‌گذرانند، تعاملات بین‌فردی‌شان کاهش می‌یابد و در ادامه بیشتر احساس تنهایی می‌کنند (Twenge, 2017). تحقیقات اخیر بر روی نسل Z نشان می‌دهد که تقریباً ۵۶ درصد از این نسل هم‌زمان با همه‌گیری کووید-۱۹ انزوای اجتماعی شدیدی را تجربه کرده‌اند و در مقایسه با نسل‌های قبلی به احتمال بیشتری اظهار تنهایی می‌کنند (Cox, 2022). بررسی میزان وابستگی دانش‌آموزان به تلفن هوشمندشان نشان می‌دهد که هم‌بستگی مثبت و معناداری بین بالا بودن زمان استفاده از تلفن هوشمند با احساس تنهایی و هم‌بستگی

1- Fear of Missing Out

2- Left Behind

منفی با عملکرد تحصیلی وجود داشته است (Yalçin et al., 2020). البته مشخص نیست که آیا اعتیاد به تلفن‌های هوشمند بر احساس تنهایی تأثیر می‌گذارد یا تنهایی بر اعتیاد به تلفن‌های هوشمند، با این حال، بسیاری از مطالعات رابطه بین اعتیاد به تلفن‌های هوشمند و تنهایی را تایید کرده‌اند (Lee et al., 2015; Twenge, 2017; Kim et al., 2019; Yalçin et al., 2020).

در نسل جدید با موقعیتی مواجهیم که گویی سبک ارتباط اجتماعی متفاوتی را نسبت به نسل‌های قبل خود تجربه می‌کنند و در جهت جبران این احساس انزوا، ارتباطات اجتماعی جبرانی خود را در بستر فضاهای مجازی گسترده‌اند. آنها به نسبت نسل‌های پیشین، کمتر از خانه بیرون می‌روند یا قرار می‌گذارند؛ در واقع این به این معنا که نوجوانان نسل Z کمتر در فعالیت‌های اجتماعی چهره به چهره شرکت می‌کنند. برای نمونه ترجیح می‌دهند در اتاق خود بمانند، با دوستان‌شان چت کنند یا تماس تصویری بگیرند، و حتی خرید اینترنتی را جایگزین رفتن به پاساژها کرده‌اند.

۸. برخورداری از روحیه مشارکت و همکاری مجازی

در دنیای جهانی امروز که مرزها اهمیت خود را از دست داده‌اند و مردم می‌توانند به راحتی از طریق پلتفرم‌های دیجیتال به یکدیگر متصل شوند، تمرکز زیادی روی همکاری وجود دارد (Yurtseven, 2020). میل به کارهای مشارکتی و حل مسئله گروهی در میان نسل Z گسترش داشته است؛ آنها دوست دارند برای حل مشکلات‌شان با یکدیگر همکاری کنند. برای آنان یادگیری و حل مشکل با دیگران نسبت به زمانی که مجبور باشد به تنهایی کار کنند بسیار لذت بخش‌تر است. فناوری‌های دیجیتال در هدایت آنها به سوی فعالیت‌های مشارکتی مؤثر بوده‌اند. بسیاری از آنها در معرض تکالیف گروهی، نمره‌های گروهی، نرم‌افزارها و وبسایت‌هایی قرار دارند که تلاش‌های مشارکتی را ترویج می‌دهند. آنها به استفاده از ابزارهای دیجیتالی مانند GroupMe، Google Docs، Office و Skype برای انجام کارها و تکالیف به طور مشترک، شرکت در چت‌های گروهی و به اشتراک گذاشتن تقویم کاری عادت کرده و با «گروه سپاری»^۱، «سرمایه‌گذاری گروهی»^۲ و سایر موارد اشتراکی آشنا

1- Crowdsourcing

2- Crowdfunding

هستند. اصطلاح Collab برای نشان دادن همکاری‌های مشترک بین نسل Z استفاده می‌شود، مانند «روزهای همکاری» یا «خانه‌های همکاری» که اکثر خانه‌های همکاری، فضاها و گروه‌های مجازی هستند (Katz et al., 2022). بنابراین این زیست مجازی روحیه مشارکت و همکاری مجازی را در این نسل افزایش داده است.

مفهوم دوران کودکی

مفهوم تقسیم زندگی به دوره‌های مختلف یک سازه اجتماعی^۱ است؛ یعنی باوری درباره ماهیت واقعیت که مبتنی بر برداشت‌ها و مفروضات ذهنی مشترک در میان اعضای جامعه معین است و در یک برهه زمانی خاص پذیرش عام دارد. از این رو، نمی‌توان زمان دقیقی را مشخص کرد که در آن کودک به فردی بزرگسال، یا جوان به فردی سالمند تبدیل شود (Papalia & Martorell, 2023). نگرش ما نسبت به دوران کودکی تحت تأثیر سیستم‌های باوری غالب جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کنیم و ممکن است در طول زمان و فرهنگ متفاوت باشد. همین امر باعث می‌شود تا علی‌رغم ویژگی‌های زیست‌شناختی تقریباً مشابه کودکان، در فرهنگ‌های مختلف، موقعیت و نقش‌های اجتماعی کودکان متنوع باشد (Schaffer, 2004).

اصطلاحات «کودک»^۲ و «دوران کودکی»^۳ اصطلاحاتی آشنا برای ما و به هم مرتبط هستند اما به مفاهیم مختلفی اشاره دارند؛ کودک معمولاً به فردی که در مرحله رشدی بین تولد و بلوغ است اطلاق می‌شود. سن معیاری برای تعریف کودک است، اما به طور کلی شامل افراد از بدو تولد تا حدود ۱۳ سالگی می‌شود. بحثی پیرامون این مرزبندی سنی وجود دارد، برخی استدلال می‌کنند که کودکی حتی قبل از تولد و در دوران جنینی آغاز می‌شود. علاوه بر این، برخی استدلال می‌کنند که دوران کودکی تا زمانی که فرد به عنوان یک بزرگسال همه حقوق قانونی را به دست آورد، ادامه دارد، یعنی تا زمانی که فرد بالغ نباشد (تا ۱۸ سالگی) کودک محسوب می‌شود. اما دوران کودکی به دورانی اطلاق می‌شود که مراحل مختلف رشد از دوره نوزادی تا نوجوانی را در بر می‌گیرد. دوران کودکی با نقاط عطف قابل توجه رشدی در

1- Social Construction

2- Child

3- Childhood

زمینه‌هایی مختلف رشد مشخص می‌شود و همچنین تحت تأثیر عوامل محیطی، فرهنگ و تجربه‌ها است (James & James, 2008). با این توضیح، در یک معنای اولیه وقتی از کودک صحبت می‌کنیم، تعریفی زیست‌شناختی - روانشناختی را پیش‌فرض گرفته‌ایم. اما با توجه به جنبه‌های فرهنگی، تاریخی و اجتماعی تعریف کودک، در این پژوهش از واژه دوران کودکی بهره گرفته شده است؛ زیرا این واژه از یک سو تنها به تعریفی زیست‌شناسانه و جهان‌شمول از کودک بسنده نکرده است و آن را به مثابه دورانی می‌بیند که متأثر از عواملی تاریخی - اجتماعی متنوعی است که می‌تواند ویژگی‌های برساختی و بومی خودش را در جوامع مختلف به همراه داشته باشد، و از دیگر سو این دوران کودکی شامل دوره‌های مجزائی از جمله دوره نوزادی، دوره کودکی اولیه و دوره کودکی میانه است. از این رو معنای جامع‌تر و مبسوط‌تری نسبت به واژه کودک و دوره کودکی دارد.

با نظر به ویژگی‌های بیان شده درباره نسل Z و Alpha، می‌توان مفهوم دوران کودکی را در مفهوم نت‌وند^۱ / کودک در شبکه خلاصه کرد. نت‌وند در مقابل شهروند معنا می‌یابد؛ بدین معنا که ما امروزه با کودکی مواجهیم که به نت و شبکه و نه شهر تعلق دارد و در آن می‌زیید. این نوع زیستن، زیستی اعتباری و مجازی نیست که فرع بر دنیای واقعی باشد، بلکه زیستی واقعی و معنادار است. به‌نحوی که جهان اول این کودک و دنیائی است که وی در آن زندگی می‌کند. از این رو در یک کلام می‌توان گفت که ما با یک کودک جدید مواجهیم که می‌توان از آن به نت‌وند یا کودک در شبکه یاد کرد. حال با نظر به این مفهوم، مؤلفه‌های مفهومی دوران کودکی ارائه می‌شود تا با اجزای مختلف این مفهوم بیشتر آشنا شویم. البته این مؤلفه‌ها حصر منطقی ندارند و ناظر به مطالعات موجود احصا شده‌اند و شاید بتوان در ادامه و با توجه به اطلاعات بیشتر در مورد نسل Z و Alpha آنها را گسترش داد یا اصلاح کرد. اهم این مؤلفه‌ها در چهار محور تقسیم شده‌اند که در ادامه می‌آید.

۱. زیست دوگانه مجازی - حقیقی

کودک نسل جدید هم‌هنگام زیستی مجازی و حقیقی را به صورت واقعی تجربه می‌کند.

1- Netizen

(Brock-Utne (2000 در پژوهش خود از واژه Netizen در بحث جهانی‌شدن استفاده کرده است. ما نیز به اقتضای بحثمان از این واژه استفاده کرده‌ایم.

این کودک همان‌گونه که از یک سو در فضای حقیقی با خانواده، اطرافیان و جهان ارتباط برقرار می‌کند و نیازهای اولیه خود را برطرف می‌کند، از سوی دیگر در فضای مجازی هم فعال است و دنیای مجازی اما واقعی خویش را نیز دارد. در آن محیط نیز با اطرافیان و سایر افراد ارتباط برقرار می‌کند، تفریح می‌کند، بازی می‌کند، می‌آموزد و قواعد حاکم بر آن را می‌پذیرد و در برخی از موارد به فضای حقیقی نیز تسری می‌دهد. بنابراین در مفهوم جدید کودکی، فضای مجازی فرع بر فضای حقیقی برای کودک نیست و او تجربه‌ای واقعی در این فضا را درک می‌کند (ویژگی اول: زیستی واقعی در دنیای مجازی) و با نظر به همین واقعی بودن این فضا است که کودک به دنبال آن است تا قواعد و الگوهای رفتاری دنیای مجازی را نیز در دنیای حقیقی دنبال کند و به نوعی زمان، مکان، روش و محتوای «مناسب» را با نظر به قواعد دنیای مجازی تعریف کند (ویژگی دوم: پذیرش کدهای رفتاری جدید مجازی). بدین ترتیب در این مؤلفه تأکید بر این است که کودک جدید زیستی دوگانه دارد و برای فهم و تعامل بهتر با وی باید این زیست دوگانه را به رسمیت شناخت.

۲. تجربه زیستن در جهانی متکثر

زیستن در دهکده جهانی تجربه جدیدی است که کودکان و نوجوانان ما با شدت و حدت بیشتری آن را تجربه می‌کنند. آنها روزانه با دیدگاه‌ها و نظام‌های معرفتی و ارزشی متفاوتی مواجه می‌شوند که جهان آنها را تبدیل به جهانی متکثر می‌کند. کودک جدید ما دیگر امکان رشد و تربیت به شکل قرنطینه‌ای یا گلخانه‌ای ندارد و کانالیزه کردن نظام معرفتی و ارزشی او تقریباً غیرممکن است. او هر لحظه از طریق رسانه‌ها اجتماعی و دنیای مجازی با افراد، گروه‌ها و دیدگاه‌های متفاوت به طرق مختلف در ارتباط است و با این تکثر آغشته است. این تکثر نوعی تزلزل هویتی را برای کودک و نوجوان جدید ما به ارمغان می‌آورد که توجه نداشتن به آن می‌تواند اثرهای مخربی از جمله سردرگمی و بحران هویت در آینده را در پی داشته باشد. زیستن در دهکده جهانی (ویژگی سوم) امکانات معرفتی و ارتباطی فراوانی را در اختیار کودک ما قرار می‌دهد که تزلزل و تکثر هویتی (ویژگی چهارم) می‌تواند یکی از پیامدهای آن باشد. بنابراین در نظر گرفتن مفهوم کودکی و تعامل با کودک در دنیای جدید، بدون در نظر داشتن تکثر موجود در دنیای کودک قرین به توفیق نخواهد بود.

۳. خودآموزی و خودپرورش‌گری

یادگیری مداوم و مادام‌العمر (ویژگی پنجم) از یک سو و پرورش سریع اطلاعات و اقتصاد توجه (ویژگی ششم) از سوی دیگر، کودک و نوجوانی را به میدان آورده است که خودآموز است و برای این خودآموزی، دارای خودپرورش‌گری در سطوح متفاوتی است. دسترسی به شبکه جهانی و تعاملات ۲۴/۷، کودک را از بند دیگری به مثابه‌ی مربی و معلم و یاددهنده رها کرده است و او خود تصمیم می‌گیرد و به راحتی مسیر آموزش خود را به صورت مقطعی یا مداوم پیگیری می‌کند. البته این بدین معنا نیست که این خودآموزی در فرایند تعلیم و تربیت مطلوب است، بلکه بحث ارائه شده توصیف وضع موجود است. وضعی که در آن کودک هرآنچه را که بخواهد (درست یا غلط) برای یادگیری انتخاب می‌کند و از آنجائی که با انبوهی از اطلاعات و ارتباطات مواجه است، ناگزیر دست به پرورش و انتخاب می‌زند. کودک جدید هزینه و فایده می‌کند و متناسب با ترجیحات خویش مسیر یادگیری خویش را دنبال می‌کند و پرورش‌گری وی نیز متناسب با همین ترجیحات وی است.

۴. انزوای اجتماعی در عین فعالیت و همکاری گروهی

کودک و نوجوان نسل جدید برخلاف نسل گذشته منزوی‌تر است. زندگی مدرن و خانواده هسته‌ای مقدمات این انزوا را از پیش فراهم کرده بودند که دنیای مجازی نیز بدان دامن زد و به عبارت دیگر جایگاه خودش را در این انزوا پیدا کرد. کودک در چنین فضا-زمان و خانواده‌ای پاسخ مناسبی برای انزوای خویش یافت و این پاسخ همان دنیای مجازی و ارتباطات و تعاملات مجازی بود که بدون نیاز به بیرون آمدن از خانه و یا حتی اتاق شخصی، دنیای جذابی را برای وی فراهم کرد. در این فضا کودک و نوجوان نسل جدید روز به روز منزوی‌تر شد و تعاملات خویش را در دنیای مجازی گسترده‌تر کرد (ویژگی هفتم). حال هرچند این انزوای طلبی امر مطلوبی نیست ولی همانطور که پیشتر بیان شد، وجود دارد و کودک ما با آن زیست می‌کند. کودک و نوجوان ما دیگر خود را نیازمند تعاملات حقیقی و حضوری نمی‌داند و انزوای اجتماعی خویش را با ترتیب دادن فعالیت‌های گروهی و مشارکت مجازی تعدیل می‌کند و در زمینه مشارکت و همکاری‌های گروهی مجازی بسیار پیشرو و موفق است. داشتن روحیه مشارکت و همکاری در فضای مجازی (ویژگی هشتم) به نوعی لازمه انزوای اجتماعی

و فردگرایی است که آورده‌ی دنیای مجازی است. فارغ از بحث مطلوبیت یا عدم مطلوبیت این فردگرایی و انزواطلبی، باید در نظر داشت که کودک نسل جدید ما در عین حال که با این انزوا زیست می‌کند، هم‌هنگام در گروه‌های مجازی به فعالیت و مشارکت می‌پردازد.

به رسمیت شناختن دنیای مجازی در تعلیم و تربیت دوران کودکی

در این بخش تلاش می‌شود تا با درنظر گرفتن مفهوم دوران کودکی به دلالت‌هایی برای تعامل تربیتی در دوران کودکی اشاره شود. همانطور که بیان شد کودک امروز ما فارغ از هرگونه ارزش‌گذاری در دهکده جهانی زندگی می‌کند و فناوری‌های نوین این امکان را فراهم کرده است تا کودک بتواند هم‌زمان در دو دنیای حقیقی و مجازی زیست کند. این زیست مجازی در دهکده جهانی دیگر فرع بر زندگی حقیقی نیست که از آن به فضای مجازی یاد کنیم بلکه زیستی واقعی و دنیائی مجازی است که مختصات خاص خودش را دارد. همین زیست مجازی است که او را در یک انفجار ارتباطی و اطلاعاتی قرار می‌دهد و موجبات تکثر و تزلزل هویتی و یادگیری مداوم و مادالمر وی را رقم می‌زند. در چنین فضائی ما دیگر نمی‌توانیم برخوردی سلیبی با دنیای مجازی داشته باشیم و آن را نفی کنیم. کودک امروز ما در این دنیا زیست می‌کند و ما اگر بخواهیم تعامل مطلوبی با کودک را شاهد باشیم بدون به‌رسمیت شناختن این کودک و دنیای مجازی او قرین با توفیق نخواهد بود؛ زیرا دنیای مجازی تأثیر بسزایی در روند تربیت، آماده‌سازی و توانمندکردن افراد برای دستیابی به اهداف فرهنگی، حرفه‌ای، شخصی و کسب هنجارهای اجتماعی دارد (Karimi Firoozjaei et al., 2023). از این رو باید همانطور که برای تعامل حقیقی تلاش می‌کنیم، تعامل مجازی را نیز در فرایند تعلیم و تربیت وارد بکنیم و برخوردی فعالانه با آن داشته باشیم. بنابراین می‌توان گفت به‌رسمیت شناختن دنیای مجازی در تعلیم و تربیت دوران کودکی به مثابه یک ضرورت تربیتی باید مورد توجه قرار گیرد. این به‌رسمیت‌شناسی دارای مختصاتی تربیتی است که در ادامه برخی از ملاحظات تربیتی در این زمینه می‌آید.

۱. کسب سواد دیجیتال و سواد رسانه‌ای

زندگی در دهکده جهانی کسب سواد دیجیتال (Digital literacy) و سواد رسانه‌ای (Media literacy)

را به عنوان ضرورتی غیرقابل انکار در تعلیم و تربیت عصر حاضر مطرح می‌کند. سواد دیجیتال شامل استفاده مطمئن از فناوری اطلاعات، تبادل اطلاعات و ارتباطات و مشارکت از طریق شبکه‌های اینترنتی است (Zare Sheykhkoloaio et al., 2023). سواد دیجیتال به توانایی استفاده مؤثر از ابزارها و منابع دیجیتال برای اهداف مختلفی مانند دسترسی به اطلاعات، برقراری ارتباط، تولید محتوا و همچنین حل مشکلات اشاره دارد و مهارت‌های فنی، توانایی ارزیابی انتقادی و تحلیل منابع دیجیتال را دربر می‌گیرد؛ سواد دیجیتال به کارهای پایه با رایانه محدود نمی‌شود، بلکه شامل انتخاب و استفاده از نرم‌افزارهای مناسب برای یادگیری و کسب ادراک نیز می‌شود. سواد رسانه‌ای نیز شامل دسترسی، تجزیه و تحلیل، ارزیابی و تفکر نقادانه در مورد پیام‌های ارسال شده و نیروهای تأثیرگذاری است که در پس ایجاد آنها وجود دارد (Biezā, 2020). این دو سواد شایستگی‌هایی کلیدی برای زیستن، تعلیم و تربیت و کار در دنیای معاصر محسوب می‌شوند که باید از دوران کودکی آموزش داده شوند (McNelly & Harvey, 2021). به عنوان نمونه گنجاندن رسانه‌های اجتماعی در تعلیم و تربیت می‌تواند به معلمان و دانش‌آموزان این امکان را دهد تا رسانه‌ها را به‌درستی درک کنند و از جنبه‌های مفید آن بهره ببرند. شایان ذکر است وقتی سخن از فراگیری سواد در حیطه رسانه و دیجیتال می‌شود، منظور فقط دانش‌آموزان نسل نوظهور نیستند، بلکه معلمان و مربیان نیز باید همسو با کودکان به این دو سواد مجهز شوند تا در این تعامل بتوانند نقش خویش را به‌درستی ایفا کنند.

۲. به رسمیت شناختن کدهای رفتاری جدید

ارتباط ۲۴/۷ کدهای رفتار اجتماعی جدیدی را رقم زده است و تمایز بین دنیای آنلاین و آفلاین در بحث زمان، مکان، محتوا و شیوه مناسب ارتباط را مخدوش کرده است. کودکان ما قواعد دنیای مجازی و دسترسی ۲۴/۷ را به دنیای حقیقی تسری می‌دهند و شناخت این کدها برای تعامل مطلوب لازم است. در واقع آنها هنوز یادنگرفته‌اند که در فضاهای آفلاین مختلف از مناسبت‌های رسمی مانند مراسم عروسی گرفته تا موقعیت‌های غیررسمی مانند ملاقات با پدربزرگ و مادربزرگ، چگونه رفتار کنند؛ زیرا تغییر کدهای رفتار اجتماعی از یک مکان، موقعیت یا فعالیتی چه آنلاین و چه آفلاین به مکان، موقعیت یا فعالیت دیگری

کار راحتی نیست و این به کسب مهارت اجتماعی بالایی نیاز دارد. به همین دلیل رفته رفته ممکن است برخی از کدهای رفتاری جدید مجازی مورد پذیرش قرار گیرند. به عنوان نمونه Tootell et al. (2014) در پژوهشی دریافتند که این نسل ترجیح می‌دهند به جای تایپ پیام بیشتر از طریق تصاویر و فایل‌های صوتی و تماس تصویری ارتباط برقرار کنند. شناخت این کدهای رفتار اجتماعی می‌تواند موجبات تعامل بهتر در نسبت با تعالی تربیتی کودک را فراهم نماید.

۳. تلاش برای تعامل^۱ و نه ارتباط^۲ در دنیای مجازی

پژوهش‌ها بیانگر آن است که استفاده از اینترنت تاکنون بیشتر برای اطلاع‌رسانی بوده است و فضای مجازی به مثابه‌ی تابلوی اعلاناتی در نظر گرفته می‌شود که فعالان عرصه تربیت را از اوضاع و امور مطلع می‌کند و افراد نیز صرفاً برای اطلاع‌رسانی از آن بهره می‌گیرند (Vigo-Arrazola & Dieste-Gracia, 2019). این درحالی است که دنیای مجازی برای کودکان تنها برای اطلاع‌رسانی و ارتباط یکطرفه برقرار کردن نیست و آنها در این دنیا تعاملاتی معنادار دارند و بحث و گفت‌وگو می‌کنند، برنامه‌ریزی می‌کنند و کارهای گروهی انجام می‌دهند (ویژگی هشتم: برخورداری از روحیه مشارکت و همکاری مجازی). شناخت این ویژگی در کودکان و دنیای مجازی بدین معنا است که در تعلیم و تربیت نیز باید این امکان را به رسمیت شناخت و تا جائی که مقدور است و آسیب‌زا نیست تعاملاتی مجازی را رقم زد تا هم با کودک همراه شد و هم از امکانات این بستر بهره‌مند گردید.

۴. گفت‌وگو و تعامل پویا در دیالکتیک دنیای حقیقی و مجازی

از آنجائی که زیست مجازی از یک سو منجر به انزواطلبی و احساس تنهایی در کودکان (ویژگی هفتم: فردگرایی و انزوای اجتماعی) و از سوی دیگر منجر به تزلزل و تکثر هویتی (ویژگی چهارم) می‌شود، برای اینکه بخواهیم از این آسیب‌ها جلوگیری کنیم، باید تعاملی فعالانه و پویا با کودک و دنیای حقیقی و مجازی او داشته باشیم. با این توضیح که امروزه

1- Interaction
2- Communication

دیگر نمی‌توان با به رسمیت نشناختن دنیای مجازی و یا قرنطینه کردن کودک مسیر تربیت را بسامان کرد. اگر می‌خواهیم کودک در مسیر تربیتی درستی باشد باید نخست زیست وی در این دنیا را به رسمیت بشناسیم و با گفت‌وگوی بین نهادی و با کودک تعاملی پویا را رقم بزنیم تا بتوان در عین به رسمیت شناختن دنیای حقیقی و مجازی کودک، مقدماتی را فراهم کرد تا کودک ما از این انزوای نامطلوب رهایی یابد و یا اینکه آن را به نحوی مدیریت کند تا آسیب‌های کمتری گریبانگیر وی شود. رسیدن به این مهم جز با تعامل مطلوب معلم و دانش‌آموز / مربی و متربی و فراهم کردن محیط تعامل پویا و فعالانه امکان‌پذیر نیست.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش کردیم تا تأملی بر مفهوم دوران کودکی با نظر به نسل Z و Alpha داشته باشیم. در همین راستا، نخست با نظر به مطالعات موجود، ویژگی‌های افراد این دو نسل را ذیل ده محور دسته‌بندی و ارائه کردیم که این هشت محور عبارت بودند از: زیستی واقعی در دنیای مجازی، پذیرش کدهای رفتاری جدید مجازی، زیستن در دهکده جهانی، تکثر و تزلزل هویتی، یادگیری مداوم و مادام‌العمر، پردازش سریع اطلاعات و اقتصاد توجه، فردگرایی و انزوای اجتماعی در مقابل گستردگی تعاملات مجازی و برخورداری از روحیه مشارکت و همکاری مجازی. در ادامه با در نظر گرفتن این ویژگی‌ها از مفهوم دوران کودکی سخن به میان آوردیم و کودک برآمده از این دو نسل را نت‌وند یا کودک در شبکه نامیدیم که شامل مؤلفه‌هایی مفهومی است؛ زیست دوگانه مجازی- حقیقی، تجربه زیستن در جهانی متکثر، خودآموزی و خودپردازگری و انزوای اجتماعی در عین فعالیت و همکاری گروهی، چهار مؤلفه مفهومی دوران کودکی هستند. در نهایت به برخی از ملاحظات تربیتی ذیل عنوان «به رسمیت شناختن دنیای مجازی در تعلیم و تربیت دوران کودکی» اشاره کردیم تا بتوانیم به مختصات این تعامل مطلوب اشاره گذرانی کنیم.

مهم‌ترین نتیجه‌ای که در نگاه به مفهوم دوران کودکی یا همان نت‌وندی در تعامل تربیتی باید مدنظر داشت، به رسمیت شناختن دنیای مجازی است. این به رسمیت‌شناسی صرفاً به معنای امری فرعی و حاشیه‌ای نیست و از این رو از آن با عنوان فضای مجازی یاد کرده‌ایم، بلکه از دنیای مجازی سخن به میان آوردیم. دنیائی که کودک در آن زیستی معنادار دارد و

هویت، تعلیم و تربیت، عمل فردی و اجتماعی وی تحت تأثیر این دنیای مجازی اما واقعی است. هرگونه تعامل تربیتی با کودك بدون درنظر گرفتن این دنیا قرین با توفیق نخواهد بود. در واقع برای تعاملی فعالانه، پویا و اثرگذار با کودك ناگزیریم که این دنیا را به رسمیت بشناسیم و متناسب با تهدیدها و فرصت‌های آن دست به عمل بزنیم. این به رسمیت شناسی بدین معناست که فارغ از اینکه هدف ما در تعلیم و تربیت چیست، باید ویژگی‌های دنیای مجازی را بشناسیم تا بتوانیم نقطه شروع مناسبی در تعامل خویش با کودكان داشته باشیم؛ زیرا نقطه شروع، درک زمینه و زمانه، عادات و فرهنگ و در یک کلام درک درستی از کودك و تعاملات وی پیدا کردن است. چه بسا باید تلاش‌های خود را نه تنها برای انتقال پیام بلکه برای ترجمه آن به بافت نسل جدید افزایش دهیم. مک‌کریندل به خوبی اشاره می‌کند که هنگام برقراری ارتباط بین شکاف‌های نسلی، مخاطبی که پاسخگو نیست، لزوماً با محتوای پیام تقابل یا ضدیت ندارد، بلکه ممکن است سبک ارتباط درستی برای او انتخاب نشده باشد (McCrimdle & Wolfinger, 2009).

بحث درباره سبک ارتباطی درست با کودكان نسل جدید تفصیل بیشتری می‌طلبد ولی می‌توان به صورت خلاصه بیان کرد که با توجه به ویژگی‌ها و نیازهای این نسل لازم است تا نهادهای تربیتی سبک ارتباطی - تعاملی خود را تغییر دهند و توجه داشته باشند که این نسل کدهای رفتاری جدیدی را تجربه می‌کنند که تعبیر زمان، مکان، محتوا و روش «مناسب» برایشان متفاوت است. این نسل بیشتر از تصاویر، فیلم‌ها و پیام صوتی استفاده می‌کنند و ارتباط ۲۴/۷ برایشان طبیعی و در دسترس است (Hernandez-de-Menendez et al., 2020). توجه به این نکته حائز اهمیت است که ارتباط تصویری از طریق انیمیشن‌ها، فیلم‌ها، تصاویر و ایموجی‌ها از یک سو، ارتباط جهانی نسل جدید را با وجود مانع زبان غیرمشترک تسهیل کرده است و در ادامه حتی انگیزه‌ای برای یادگیری زبان جهانی شده است و از دیگر سو، به زوال هرچه بیشتر دوران کودکی دامن زده است؛ زیرا کودك دیگر برای استفاده از کامپیوتر و اینترنت لزوماً نیاز به سواد مدرسه‌ای و حتی دیجیتال ندارد و به راحتی با استفاده از زبان تصویری، نمادین و شفاهی به امکانات و برنامه‌های دنیای مجازی و حتی دنیای بزرگسالان دسترسی داشته باشد. امید که با به رسمیت شناختن دنیای مجازی و فهم ویژگی‌های کودك در شبکه بتوانیم محیط امن‌تر و غنی‌تری را برای تعلیم و تربیت کودكان فراهم آوریم.

سهم مشارکت نویسندگان: در پژوهش حاضر نویسنده اول هدایت روند کلی پژوهش و نگارش بخش‌هایی از متن مقاله، تدوین و نهایی‌سازی اصلاحات مقاله را بر عهده داشته‌اند. نویسنده دوم تدوین طرح تحقیق، فرآیند گردآوری، تحلیل و تفسیر یافته‌ها و نگارش متن مقاله را بر عهده داشته و در مجموع نتیجه‌گیری از یافته‌ها و بسط و تفسیر به صورت مشترک و با بحث و تبادل نظر هر دو نویسنده انجام شد.

تضاد منافع: نویسندگان اذعان دارند که در این مقاله هیچگونه تعارض منافی وجود ندارد.

منابع مالی: پژوهش حاضر از هیچ موسسه و نهادی حمایت مالی دریافت نکرده و کلیه هزینه‌ها در طول فرآیند اجرای پژوهش بر عهده پژوهشگران بوده است.

References

- Apaydin, Ç., & Kaya, F. (2020). An analysis of the preschool teachers' views on Alpha generation. *European Journal of Education Studies*. <http://dx.doi.org/10.5281/zenodo.3627158>
- Baer, L. L. (2016). Generation Z goes to college. *Planning for Higher Education*, 44(4), 105-108.
- Biezā, K. E. (2020). Digital literacy: Concept and definition. *International Journal of Smart Education and Urban Society (IJSEUS)*, 11(2), 1-15. DOI: 10.4018/IJSEUS.2020040101
- Boyd, D. (2008). Why youth (heart) social network sites: The role of networked publics in teenage social life. *youth, identity, and digital media*, David Buckingham, ed., *The John D. and Catherine T. MacArthur Foundation Series on Digital Media and Learning*, The MIT Press, Cambridge, MA, 119-142. doi: 10.1162/dmal.9780262524834.119.
- Brock-Utne, B. (2000). Peace education in an era of globalization. *Peace Review*, 12(1), 131-138. <https://doi.org/10.1080/104026500113926>
- Çetin, M., & Halisdemir, M. (2019). School Administrators and Generation Z Students' Perspectives for a Better Educational Setting. *Journal of Education and Training Studies*, 7(2), 84-97. <http://dx.doi.org/10.11114/jets.v7i2.3773>
- Cilliers, E. J. (2017). The challenge of teaching generation Z. *People International Journal of Social Sciences*. <https://dx.doi.org/10.20319/pijss.2017.31.188198>
- Coombs, J. R., & Daniels, L. (1991). Philosophical inquiry: Conceptual analysis. *Forms of curriculum inquiry*, 27-41.
- Cox, D. (2022). The Childhood Loneliness of Generation Z. New trends and enduring patterns in American family life. *Survey center on American Life*.
- Davenport, T. H., & Beck, J. C. (2001). The attention economy. *Ubiquity*, 2001(May), 1-es. <https://doi.org/10.1145/376625.376626>
- Dimock, M. (2019). Defining generations: Where Millennials end and Generation Z begins. *Pew Research Center*, 17(1), 1-7.

- Dos Reis, T. A. (2018). Study on the alpha generation and the reflections of its behavior in the organizational environment. *Journal of Research in Humanities and Social Science*, 6(1), 9-19. Available at: <http://www.questjournals.org/>
- Hernandez-de-Menendez, M., Escobar Díaz, C. A., & Morales-Menendez, R. (2020). Educational experiences with Generation Z. *International Journal on Interactive Design and Manufacturing (IJIDeM)*, 14, 847-859. <https://doi.org/10.1007/s12008-020-00674-9>
- James, A. & James, A. (2008). *Key Concepts in Childhood Studies*. UK: Sage
- Karimi Firoozjaei, M., Sharifzadeh, H., & Karamkhani, Z. (2023). Identify Components of Cultural Education and Its Relationship with Collective Communication Media (With an Emphasis on Virtual Space). *Journal of Educational Sciences*, 30(2): 213-234. <https://doi.org/10.22055/educ.2023.44332.3481> (Persian)
- Katz, R., Ogilvie, S., Shaw, J., & Woodhead, L. (2022). *Gen Z, explained: The art of living in a digital age*. University of Chicago Press.
- Kim, S.-G., Park, J., Kim, H.-T., Pan, Z., Lee, Y., & McIntyre, R. S. (2019). The relationship between smartphone addiction and symptoms of depression, anxiety, and attention-deficit/hyperactivity in South Korean adolescents. *Annals of General Psychiatry*, 18(1), 1-8. <https://doi.org/10.1186/s12991-019-0224-8>
- Lee, J., Cho, B., Kim, Y., & Noh, J. (2015). *Smartphone addiction in university students and its implication for learning*. Paper presented at the Emerging issues in smart learning. https://doi.org/10.1007/978-3-662-44188-6_40.
- Lyngdoh, T., El-Manstrly, D., & Jeesha, K. (2023). Social isolation and social anxiety as drivers of generation Z's willingness to share personal information on social media. *Psychology & Marketing*, 40(1), 5-2. <https://doi.org/10.1002/mar.21744>
- McCrindle, M., & Fell, A. (2020). *Understanding generation alpha*: McCrindle Research.
- McCrindle, M., & Wolfinger, E. (2009). *The ABC of XYZ: Understanding the global generations*: The ABC of XYZ.
- McNelly, T. A., & Harvey, J. (2021). Media Literacy Instruction in Today's Classrooms: A Study of Teachers' Knowledge, Confidence, and Integration. *Journal of Media Literacy Education*, 13(1), 108-1.
- Papalia, D. E., & Martorell, G. (2023). *Experience Human development*. McGraw-Hill Pub.
- Prensky, M. (2001). Digital natives, digital immigrants part 2: Do they really think differently? *On the Horizon*, 9(6), 1-6. <https://doi.org/10.1108/10748120110424843>
- Ramadhani, A. K., & Wibisono, M. (2017). Visual literacy and character education for alpha generation. *ISoLEC Proceedings*, 1-7.

- Ruodi Aliabadi S., Akbary M., & Mohsen Ayati, M. (2023). Factors Affecting Lifelong Learning in Educational Environments (Systematic Review). *Journal of Educational Sciences* 30(2): 235-260. <https://doi.org/10.22055/edus.2023.43562.3450> [Persian]
- Schaffer, H. R. (2004). *Introducing Child Psychology*. United Kingdom: Blackwell Publishing Ltd.
- Sterbenz, C. (2015). Here's who comes after Generation Z - and they're going to change the world forever. *Business Insider*.
- Tootell, H., Freeman, M., & Freeman, A. (2014). *Generation alpha at the intersection of technology, play and motivation*. Paper presented at the 2014 47th Hawaii international conference on system sciences. <https://doi.org/10.1109/HICSS.2014.19>.
- Twenge, J. M. (2017). *iGen: Why today's super-connected kids are growing up less rebellious, more tolerant, less happy--and completely unprepared for adulthood--and what that means for the rest of us*: Simon and Schuster.
- Vigo-Arrazola, B., & Dieste-Gracia, B. (2019). Building virtual interaction spaces between family and school. *Ethnography and Education*, 14(2), 206-222. <https://doi.org/10.1080/17457823.2018.1431950>.
- Yalçın, I., Özkurt, B., Özmaden, M., & Yağmur, R. (2020). Effect of smartphone addiction on loneliness levels and academic achievement of z generation. *International Journal of Psychology and Educational Studies*, 7(1), 208-214. <https://doi.org/10.17220/ijpes.2020.01.017>
- Yurtseven, N. (2020). *The teacher of generation alpha*: Verlag Peter Lang AG.
- Zare Sheykhkoloai, SF., Javadipour, J., & Keramati, K. (2023). Reviewing the digital competence of teachers in the post-corona era. *Journal of Educational Sciences*, 30(2), 161-188. <https://doi.org/10.22055/edus.2023.42871.3428> [Persian]
- Ziatdinov, R., & Cilliers, J. (2022). Generation Alpha: Understanding the next cohort of university students. *arXiv preprint arXiv:2202.01422*.

